

رونمایی از قتل‌های سریالی سارقان مسلح

اعضای این شبکه مرتکب ۳ قتل و سرقت ۲۵ کیلو طلا در ۶ سرقت مسلحانه شده‌اند

اعضای یک شبکه مخوف سرقت مسلحانه اقرار کرده‌اند که در جریان شش دستبرد خود در چند نقطه از کشور مرتکب سه فقره قتل عمد و ۲۵ کیلو سرقت طلا شده‌اند. احتمال افزایش قربانیان و کشف سرقت‌های بیشتر وجود دارد.



دستگاه خودروی سرقتی در شهرستان خمین به یک پلافروشی دستبرد زدیم و از آن پلافروشی هم شش کیلو طلا سرقت کردیم. پس از این از پلافروشی در نسیم شهر رباط کریم سه کیلو طلا سرقت کردیم و پنجمین سرقت مسلحانه ما از پلافروشی خیابان مولوی بود که همراه پنج نفر از اعضای گروه و یک دختر جوان نقشه‌مان را عملی کردیم و چهار کیلو طلا سرقت کردیم. آخرین سرقت مسلحانه ما از پلافروشی در کهریزک بود که پنج کیلو طلا سرقت کردیم.

قتل رئیس باند

وی در ادامه به دو قتل هم اعتراف کرد و گفت: بهرام سر کرده باند همیشه اموال سرقتی را تقسیم می‌کرد. من از او حدود ۱۳۰ میلیون تومان طلبکار بودم. از سوی دیگر دو کیلو مواد مخدر شیشه هم به او داده بودم. اما هر وقت از او می‌خواستیم سهم مرا بدهد، بهرام بپانه می‌گرفت خیلی از دست او عصبانی بودم تا اینکه تصمیم به قتلش گرفتم. یک روز با او قرار گذاشتم و با کلت کمبری که همراه داشتم او را به قتل رساندم. پس از حادثه جسدش را با کمک یکی از دوستانم به بیابان‌های اطراف دانشگاه شاهد بردم و همانجا جسد را سوزاندم.

برادر دختر مورد علاقه‌ام را به قتل رساندم

وی درباره دومین قتل هم گفت: مدتی قبل با دختری به نام سارا آشنا شدم. ما با هم ارتباط داشتیم تا اینکه برادرش متوجه ارتباط ما شد. پس از این میلاد همیشه به چند دستگاه خودروی سرقتی داشتیم تا اینکه ابتدا یک خودرو را با تهدید صاحبش سرقت کردیم و بعد قصد داشتیم موتورسیکلتی را سرقت کنیم که راننده آن در برابر ما مقاومت کرد و یکی از همدستانم با چوب او را به قتل رساند و موتورسیکلتش را سرقت کردیم. در ادامه یک دستگاه رانیتا سرقت کردیم و بعد به سراغ پلافروشی رفتم و موفق شدیم سه کیلو طلا سرقت کنیم. وی درباره سومین سرقت مسلحانه گفت: سه سال قبل با چند

قتل راننده موتورسیکلت در دومین سرقت مسلحانه

دومین سرقت را چهار سال قبل از پلافروشی در کلاک کرج طراحی کردیم و به همین دلیل روز حادثه احتیاج به چند دستگاه خودروی سرقتی داشتیم تا اینکه ابتدا یک خودرو را با تهدید صاحبش سرقت کردیم و بعد قصد داشتیم موتورسیکلتی را سرقت کنیم که راننده آن در برابر ما مقاومت کرد و یکی از همدستانم با چوب او را به قتل رساند و موتورسیکلتش را سرقت کردیم. در ادامه یک دستگاه رانیتا سرقت کردیم و بعد به سراغ پلافروشی رفتم و موفق شدیم سه کیلو طلا سرقت کنیم. وی درباره سومین سرقت مسلحانه گفت: سه سال قبل با چند

با چهره‌نگاری یکی از متهمان را که پسر ۲۲ ساله‌ای به نام فرزین بود، شناسایی و وی را اوایل فروردین ماه دستگیر کردیم. متهم پس از دستگیری مقابل قاضی علی وسیله ایرد موسی، بازپرس دادسرای ویژه سرقت به شش سرقت مسلحانه از پلافروشی و سه قتل اعتراف کرد.

وی گفت: ما شش دوست داریم که پنج سال قبل باند سرقت مسلحانه از پلافروشی را به سرکردگی بهرام تشکیل دادیم. ما معمولاً با خودروها و موتورسیکلت‌های سرقتی اقدام به سرقت می‌کردیم تا از نسوی پلیس شناسایی نشویم. حدود پنج سال قبل نخستین سرقت مسلحانه خود را یک پلافروشی در شهرستان دنا آغاز و چهار کیلو طلا سرقت کردیم.

دارد. متهم در ادامه به سرقت از یک عکاسی اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل به یک مغازه عکاسی رفت و آمد داشتم و با صاحب آن دوست شدم. وقتی فهمیدم او پول زیاد و اموال با ارزشی داخل مغازه‌اش نگهداری می‌کند، نقشه سرقت را طراحی کردم. روز ۷ بهمن ماه وارد مغازه عکاسی دوستم شدم و با دوغ مسموم که به او خورادم او را بی‌هوش کردم، سپس یک دستگاه فتوکپی چندکاره، شش عدد دوربین دیجیتال و قدیمی، سه پرینتر، کارت بانکی، تلفن همراه و پنج میلیون تومان وجه نقد از آنجا دزدیدم و متواری شدم.

دستگیری یکی از سارقان پلافروشی

پس از این مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۰ چهار بهمن ماه سال ۹۳ مأموران پلیس از سرقت مسلحانه از پلافروشی در خیابان مولوی باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد لطفانی قبل چهار مرد و یک زن با سرقت حدود سه کیلو طلا از محل گریخته‌اند. صاحب پلافروشی گفت: داخل مغازه نشسته بودم که زنی برای خرید طلا وارد شد. همان لحظه بود که دو نفر مسلح به کلت کمبری هم وارد شدند. یکی از مردان مسلح با ته اسلحه به سرم کوبید و تهدید به قتل کرد و نفر دیگر هم تمامی طلاها را که حدود سه کیلو بود، داخل کیسه‌های ریخت و با دو موتورسیکلتی که راننده آن بیرون مغازه منتظرشان بودند، فرار کردند. پس از طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس آگاهی برای شناسایی و دستگیری سارقان مسلح وارد عمل شدند.

بازداشت سارق عکاسی به جای سارق پلافروشی

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، صاحب پلافروشی به مأموران پلیس خبر داد مردی که شباهت زیادی به یکی از سارقان دارد، در نزدیکی مغازه‌اش در حال پرسوزنی است. پس از این، مأموران در محل حاضر شدند و مرد مظنون را با تعقیب و گریز و تیراندازی دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها مدعی شد که در سرقت پلافروشی دست نداشته و فقط به یکی از اعضای باند سارقان شباهت

کلاهبرداری از نظام بانکی

با چک پول‌های تقلبی

نرم‌افزار سیستم بانکی قادر به شناسایی چک پول‌های تقلبی نبود



اشکال نرم‌افزاری در سیستم نظام بانکی سبب شد تا مرد کلاهبردار با وارز چک پول‌های تقلبی به دستگاه‌های خود در یافت موفق نشود پول زیادی برداشت کند. هر چند متهم شناسایی نشده، اما تلاش‌ها برای بازداشت وی هنوز به سرانجام نرسیده است. به گزارش خبرنگار ما، اواخر سال گذشته بود که نماینده حقوقی یکی از بانک‌های خصوصی وارد شعبه ششم دادسرای ناحیه شد و قاضی را از ماجرای یک کلاهبرداری با خبر کرد. او توضیح داد مدتی قبل متوجه شدیم که مبلغ زیادی تراول چک تقلبی وارد حساب‌های بانکی‌مان شده است. وقتی تحقیق کردیم فهمیدیم که این پول‌های تقلبی از طریق دستگاه‌های خود در یافت وارد چرخه بانکی ما شده است. در بررسی‌های بیشتر هم مشخص شد که عامل وارز چک پول‌های تقلبی هم یکی از مشتریان بانک خودمان است. او بعد از وارز کردن چک پول‌های تقلبی از طریق دستگاه‌های خود دریافت، همان میزان پول را از طریق باجه‌های عابر بانک در سراسر شهر از حسابش برداشت کرده است که از او شکایت داریم.

بعد از مطرح شدن شکایت، برپوند با موضوع تحصیل مال نامشروع روی میز کار آگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در اولین گام مسعود شناسایی و مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت از ماجرای این کلاهبرداری خبر ندارم، اما قبول دارم که حساب را افتتاح کرده است. مسعود در شرح ماجرا گفت: مدتی قبل با مرد جوانی آشنا شدم که گفت مادرش بیمار و در بیمارستان بستری است. برای وارز کردن پول بیمارستان هم نیاز به کارت بانکی دارد. از آنجا که اوراق هویتی همراهش نیست از من خواست که حسابی افتتاح کنم و کارت عابر بانک را در اختیار او بگذارم تا بتواند مشکلتش را حل کند. اول قبول نکردم، اما وقتی مبلغی را به عنوان حق الزحمه به من داد، اعتماد و پیشنهادش را قبول کردم. همراه او به شعبه بانک رفتم و بعد از افتتاح حساب، کارت عابر بانک را به او دادم و دیگر از او خبر ندارم.

بررسی این حساب بانکی همچنین مشخص کرد که مرد کلاهبردار بسیاری از پول‌ها را به حساب‌های دیگری منتقل و سپس برداشت کرده است. صاحبان حساب‌ها وقتی شناسایی و تحقیق شدند، گفتند هنگام مراجعه به عابر بانک متهم از آنها درخواست کرده به علت محدودیت برداشت از حساب خودش، پول را به حساب آنها انتقال داده و سپس برداشت کرده است.

کار آگاهان سرانجام با بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته، تصویر مرد فریبکار را به دست آوردند که مسعود هم وی را شناسایی کرد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها، کارشناسان متوجه شدند که نرم‌افزار بانکی امکان شناسایی چک پول‌های تقلبی را ندارد، بنابراین این اشکال رافع کردند. سرهنگ کار آگاه محمد ناریبکی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، بدون اشاره به مبلغ کلاهبرداری شده گفت: دستور انتشار تصاویر به دست آمده متهم از سوی بازپرس صادر شده است، بنابراین شهروندان اطلاعات خود را از متهم از طریق شماره تماس‌های ۲۱۸۶۵۴۲۹ و ۲۱۸۶۵۴۳۳ را در اختیار کار آگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.

زوج جوان مأموران قلابی بودند

زوج جوانی که با معرفی خود به عنوان مأمور مبارزه با مفااسد اجتماعی از مردم زورگیری می‌کردند، دستگیر شدند. صبح روز یازدهم فروردین‌ماه بود که مأموران کلانتری ۱۳۲ هنگام گشت‌زنی در خیابان خاوران به زن و مرد موتورسواری مظنون شدند و آنها را متوقف کردند. مأموران در بررسی نایلون همراهشان دو دستگاه بی‌سیم و کلاه گیس کشف کردند، بنابراین زن و مرد جوان بازداشت و روانه کلانتری شدند.

بررسی‌ها نشان داد که سلمان ۲۸ ساله و سمریزان و شوهر هستند. آنها در بازجویی‌ها به زورگیری از شهروندان در پوشش مأمور مبارزه با مفااسد اجتماعی اقرار کردند. سامان گفت با معرفی خودمان به عنوان مأمور به دختران و پسران جوان از آنها زورگیری می‌کردیم. سرهنگ ابراهیم بهرام‌پزنا، جانشین پلیس پیشگیری تهران گفت: دو متهم بعد از تشکیل پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

مرگ کودک ۸ساله در رودخانه

کودک هشت ساله هنگام بازی کنار رودخانه قوری‌چای در شهرستان رزن به داخل آب سقوط کرد و فوت شد.

این حادثه دو روز قبل اتفاق افتاد و زمانی که امدادگران در محل حاضر شده بودند، پدر این کودک جسد بی‌جان فرزندش را از آب خارج کرده بود. بررسی امدادگران هم نشان داد که کودک به علت خفگی جان باخته است.

آتش گرفتن اتوبوس مسافربری

هنگام حرکت

اتوبوس مسافربری ولوو که از اراک راهی کرمانشاه بود، آتش گرفت. اما به مسافران آن آسیب نرسید. این حادثه شامگاه پنجشنبه در محور کرمانشاه به کنگاور اتفاق افتاد و اتوبوس هنگام حرکت از قسمت موتور آتش گرفت که با اقدام به موقع راننده، مسافران بی‌آسیب شدند. سرهنگ قاسمیان، جانشین رئیس پلیس راه گفت که علت حادثه در دست بررسی است. ساکنان دو خانه دیگر هم که مجروح شده‌بودند، راهی بیمارستان شدند. حسن جعفری، مدیر عامل آتش‌نشانی مشهد گفت: این حادثه سه کشته و ۱۱ زخمی داشت و خسارات مالی فراوانی به ساختمان‌های همسایه و خودروهای پارک شده در محل وارد کرد. وی گفت علت حادثه در دست بررسی است.



گزارش میدانی خبرنگار «جوان» از محل حادثه

مرگ مرد میانسال در حفره حمام قدیمی

آیا بنای ساختمان‌ها روی حمام قدیمی حادثه دیگری را رقم نخواهد زد؟

خود را به محل می‌رسانند. عوامل آتش‌نشانی، اما مشغول کارشان هستند و مأموران پلیس مدام به مردم هشدار می‌دهند که از محل دور شوند. تذکرات بی‌مورد مأموران، فضا را متشنج می‌کند. یکی از پسران مرد حادثه دیده به عکاس روزنامه «جوان» حمله می‌کند و قصد تنگ‌زدن او را دارد. که این بار مأموران پلیس مانع می‌شوند. از سوی دیگر پیام‌های مخابره شده از داخل چاه، حکایت دیگری دارد. خبر می‌رسد که او ته چاه فوت شده است. به نظر می‌رسد عمق زیاد چاه، محل خلوت می‌شود. تیمی از آتش‌نشانان مشغول بررسی علت وقوع حادثه هستند. هر کس از راه آمده باز می‌گردد. خیلی‌ها اهالی نگران هستند که مبادا این محل نایمن باشد و به ناگاه فروکش می‌کند.

چاه، دستگاه هواساز هم به کار می‌افتد و با لوله پلاستیکی هوا به داخل چاه تزریق می‌شود. یکی از آتش‌نشانان با دستگاه مخصوصی که داخل کیف سانسونتی بود با جاکت، در حال حرف‌زدن است و از او می‌خواهد از طریق ایفون با او حرف‌زد و گزارش لحظه به لحظه بدهد. تمام نفس‌ها در سینه حبس شده است و همه منتظر هستند که جاکتگر گزارش زنده بودن مأموران آتش‌نشانی با چندین طناب و تردان، قرقره دست‌ساز درست می‌کنند تا از طریق آن، مرد حادثه دیده را خارج کنند. انتظار به سر می‌رسد و یکی از مأموران گروه نجات که مهدی نام دارد لباس مخصوص به تن می‌کند. لباس پوشیدن او هم حدود ۱۵ دقیقه طول می‌کشد. سرانجام در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه پس از ماسک زدن و مجهز شدن به امکانات دیگر با احتیاط تمام به داخل چاه می‌رود. با رفتن مأمور نجات به داخل

گزارش میدانی غلامرضا مسکنی

«می‌خواهم به بهشت زهرا بروم.» این آخرین جمله مرد جوانی است که برای انتقال السوار وارد مغازه نجاری شده بود. فروکش کردن ناگهانی کف مغازه، این مرد را در عمق ۲۵ متری چاه به کام مرگ کشاند.

ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه صبح روز جمعه است و تعداد زیادی خودروهای آتش‌نشانی و پلیس، ابتدای کوچه همدهم در خیابان میرزای شیرازی توقف کرده‌اند. ابتدای کوچه با نوار زرد رنگ از خیابان اصلی جدا شده است. عمده زیادی از اهالی پشت نوار زرد رنگ در حال تماشای مأموران آتش‌نشانی بودند که مقابل مغازه صنایع چوبی کاهه در تکاپو بودند. یکی از شاهدان می‌گوید لحظاتی قبل داخل مغازه صنایع چوبی حفره‌ای به عمق حدود ۲۵ متر باز شد و راننده یک خودروی وانت را که در حال انتقال الوار به داخل ماشینش بود، به چاه کشاند.

حدود ۲۵ مأمور آتش‌نشانی، گروه نجات و تعدادی از مأموران شهرداری همراه سه مأمور کلانتری سنایی و ۲ نفر از امدادگران اورژانس داخل نوار زرد رنگ در حال تکاپو هستند.

امید تماشاچیان به زنده بودن مرد سقوط کرده است و آتش‌نشانان انتظار دارند خیلی زود آن مرد را از عمق چاه نجات دهند. گروهی از آتش‌نشانان ردبانی آلمینیومی را مدام به داخل مغازه می‌برند و خارج می‌کنند. یکی از امدادگران هم در حال باز کردن طناب بلندی است که گرهی ناجور خورده است تا جایی که باعث تعجب تماشاچیان شده بود که چرا طناب گره خورده برای عملیات نجات آورده شده است. امدادگر از باز کردن گره منصرف می‌شود و طناب دیگری به محل آورده می‌شود. یکی از آتش‌نشانان در اعتراض مردم می‌گوید که محل ناامن است و احتمال دارد که آتش‌نشانان هم به داخل حفره سقوط کنند. به همین دلیل احتیاج به زمان بیشتری است تا اول محل ایمن‌سازی شود. شلوغی عوامل دست‌اندر کار داخل محوطه از به هم ریختگی وی‌بی‌برنامگی خاصی در مدیریت این عملیات حکایت دارد. هر چند تعداد افراد بی‌سیم به دست زیاد است، اما چیزی که به نظر می‌رسد حکایت از نبود رهبری واحد در این تیم است. به هر حال مأموران آتش‌نشانی در تلاش هستند. یکی از تردبان‌ها به داخل مغازه راه پیدا

